



جبهه ملی

ارگان نیروهای ملی ایران

سرمقاله

هوشنگ کردستانی

بزرگداشت پنجاه و نهمین سالگرد روز جهانی حقوق بشر در آلمان

روز یکشنبه نهم دسامبر ۲۰۰۷ از طرف سازمان حقوق بشر «امنستی اینترنشنال / عفو بین الملل» در آلمان در شهر «ینگل اشتات» مراسم پنجاه و نهمین سالگرد روز جهانی حقوق بشر برگزار شد.

با توجه به وضع موجود و فرارسیدن مسابقات المپیک تابستان امسال که در چین انجام می پذیرد موضوع اصلی رعایت حقوق بشر در کشور چین بود.

پس از افتتاح مراسم بوسیله آقای دکتر «لهمان» شهردار شهر اینگل اشتات، سخنرانی آقای پرفسور نوواک، بازرس اختصاصی سازمان ملل در ارتباط با جلوگیری از شکنجه و نقض حقوق بشر، آغاز شد.

در این سخنرانی گفته شد که سازمان ملل و تمامی کشورهای پیشرفته، چه در غرب و یا شرق، با توجه به امکانات مختلف اطلاعاتی که در اختیار دارند، آگاهی کامل در مورد هر نوع نقض حقوق بشر، چه در ممالک سابق یوگوسلاوی و یا در دارفور و یا در چین و یا در چین و ایران داشته اند و دارند. خیلی از این مشکلات را ایشان قابل پیشگیری نامیدند. علت وقوع و ادامه آن را ایشان کمبود اتحاد دولت پیشرفته، در درجه اول آمریکا و اتحادیه اروپا، در مبارزه با نقض حقوق بشر می دانستند. بقیه در ص ۲

گزارش دستگاههای اطلاعاتی آمریکا سرانجام توافق های بغداد

هنگامی که اعلام شد آمریکا حاضر به گفت و گو با جمهوری اسلامی بیرامون مسایل عراق است، روشن بود چنانچه دیداری میان نمایندگان آمریکا و جمهوری اسلامی صورت پذیرد از چهارچوب مسائل عراق که مورد علاقه آمریکاست فراتر رفته و موضوع های مورد علاقه جمهوری اسلامی را هم در بر خواهد گرفت.

ناآرامی های مهارناپذیر، بمب گذاریها و عملیات انتحاری روزمره در بغداد و سایر شهرهای عراق، آمریکا را به این نتیجه رسانده است که انحصار تمامی قدرت توسط شیعیان و دور ماندن سنی ها از حوزه قدرت سبب اصلی این ناآرامی ها و نابسامانی هاست و بدون واگذار کردن بخشی از قدرت به سنی ها نه اوضاع عراق سامان می یابد و نه کشورهای عربی پشتیبان آن ها راضی خواهند گشت.

با توجه به پیشینه همکاری های جمهوری اسلامی با آمریکا در افغانستان، این بار نیز دولتمردان آمریکا امیدوارند که از یاری رساندن سران جمهوری اسلامی برای حل معضل عراق برخوردار شوند.

شرایط امروز عراق اما، با شرایط زمان آمریکا و متحدانش در حمله به افغانستان بکلی متفاوت است. یورش آمریکا به افغانستان و فرار طالبان، سردمداران اسلامی را دچار سردرگمی و وحشت نموده بود چون برآورد می کردند پس از پایان کار طالبان نوبت سرنگونی آنها فرا می رسد. این هراس و وحشت باعث شد تا سران جمهوری اسلامی برای بقیه در ص ۴

در این شماره می خوانید:

- گزارش دستگاههای اطلاعاتی آمریکا ... هوشنگ کردستانی
- بزرگداشت پنجاه و نهمین سالگرد روز جهانی حقوق بشر گزارشی از دکتر مهندس مسعود هارون - مهدوی
- تفو بر تو ای چرخ گردون تفو بزرگداشت دانشجو هیئت اجرایی جبهه ملی ایران - خارج کشور -
- مرگ های ناشی از فقر و بی اعتنائی مسئولان پیام جبهه ملی، ایران
- دکتر مصدق چگونه سیاستمداری بود سرهنگ دکتر عقیلی پور
- ۱۱۵ هزار دانش آموز دبستانی تحصیل را ترک کردند (خبرها)
- پیامی به مازندران شعری از ادیب برومند

«نُفوبِ تو ای چرخ گردون نُفو»

در کشمکش هایی که میان جمهوری اسلامی و آمریکا بر سر مسئله پرونده اتمی جمهوری اسلامی و امکان دست یابی به جنگ افسزار هسته ای وجود داشت، سردمداران اسلامی در برابر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس همزمان دو سیاست متضاد را به مرحله اجرا در آوردند.

نخست، سیاست تهدید و ارباب، دوم نزدیکی و مدارا.

سردمداران جمهوری اسلامی که از احتمال حمله نظامی یا بمباران هوایی آمریکا بشدت وحشت زده شده بودند، اقدام به دادن شعارهای بزرگ و توخالی نمودند.

شعار حذف اسرائیل از صفحه جغرافیای جهان و اینکه اگر آمریکا تیری به سوی ما شلیک کند، منطقه به آتش کشیده خواهد شد. یا، بیش از ده هزار موشک آماده در هم کوبیدن نیروهای آمریکا و کشورهایهایی است که استفاده از خاک خود را به آمریکا بدهند، همه از نوع شعارهای توخالی بود که بیش از آنکه نشانه قدرت باشد، نشانه نداشتن ترس و هراس سران اسلامی بود.

شعارهای ضد آمریکایی و اسرائیلی این امتیاز را هم داشت که توده های مردم مسلمان به ویژه عربی را جذب می کرد و در نتیجه امکان همراهی و همکاری دولت های عربی را در یک حمله احتمالی به ایران کاهش می داد.

سیاست دومی که سردمداران اسلامی در این رابطه پیش گرفته اند، نزدیک شدن به این دولت ها و رفع نگرانی کردن آنها از حمله جمهوری اسلامی و صدور انقلاب اسلامی است.

صدور انقلاب اسلامی از شعارهای دوران خمینی بود و در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز اصلی را به آن اختصاص داده اند.

مسافرت احمدی نژاد به عربستان سعودی و شرکت در اجلاس همکاریهای کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و آمادگی برای برقراری روابط سیاسی با مصر را باید در راستای این سیاست ارزیابی کرد. یعنی، اطمینان دادن به این کشورها که چنانچه اجازه استفاده از خاک خود را به آمریکا برای حمله به ایران ندهید خطری از جانب جمهوری اسلامی شما را تهدید نخواهد کرد و اصل صدور انقلاب از سیاست خارجی اسلامی حذف شده است.

جالب اما اینجاست که رئیس جمهور اسلامی که شعارهای ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی می دهد و قدرت نظامی جمهوری اسلامی را به رُخ آنها می کشد، با مسافرت به عربستان سعودی و به ویژه شرکت در اجلاس همکاریهای کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نشان داد که تا چه اندازه حقیر و ضعیف است.

شرکت در آن اجلاسی که به خاطر رویارویی با صدور انقلاب و برای مقابله با تهدیدهای نظامی جمهوری اسلامی پایه گذاری شده است و از بدو تأسیس همواره خلیج فارس را خلیج عربی می نامد و مدعی مالکیت سه جزیره ایرانی تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی می باشد و نشستن زیر پرچمی که خلیج فارس را خلیج عربی نوشته است، نامی جز حقارت و کوچکی بر آن نمی توان نهاد.

از سران نظامی که بدون شکست در جنگ حاضر به مذاکره درباره تأمین ارضی می شوند و برخی از آنان برای خلیج فارس نام بی مسمای اسلامی پیشنهاد می کنند و پیشنهاد عضویت در سازمان کشورهای عربی را مطرح می نمایند، بیش از این هم نمی باید انتظار داشت. ■

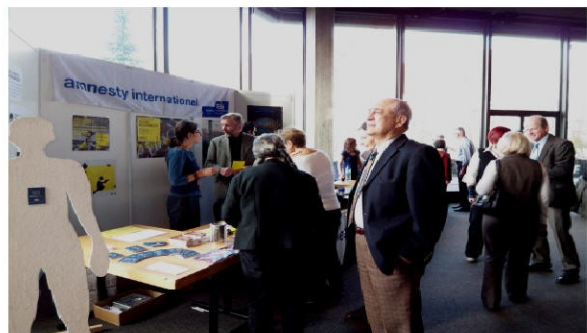
بزرگداشت پنجاه و نهمین سالگرد روز جهانی ... بقیه از ص ۱

دعوت و برگزاری این برنامه از طرف امنستی اینترنشنال در شهر اینگل شتات (ai in Ingolstadt) صورت گرفته بود، از جمله آقایان دکتر مسعود هارون مهدوی (مسئول سازمان حقوق بشر «زندگی کن و بگذار زندگی کنند») و دکتر ساسان هارون مهدوی (مسئول سازمان جوانان جبهه ملی ایران)، شاهد و ناظر یک سخنرانی بسیار شفاف و مطلوب در مورد تاریخچه مصوبات حقوق بشر سازمان ملل و چگونگی وضع کنونی مردم جهان نسبت به بهره مندی از مصوبات حقوق بشر بودند.



با توجه به آخرین آمار بدست آمده متأسفانه در کشور ایران پس از کشور چین تعداد انسانهایی که اعدام شده اند بیش از سایر کشورهای جهان بوده. باید افزود که برای ما ایرانیان جای تأسف بسیار می باشد که با این همه فرهنگ غنی و تاریخ پرافتخار کهن، حال باید به چنین سقوطی که با تمام موازین و شعونات انسانی مغایرت دارد دچار و متهم شویم.

آقای پرفسور نوواک (Prof. Manfred Nowak) در ادامه سخنانشان اشاره به این نمودند که کشور آمریکا با توجه به تعداد اعدامها و برقرار داشتن زندان «گوانتانامو» نیز در رده های بالای اعمال نقض حقوق بشر قرار دارد. پرفسور نوواک صریحاً به این نکته اشاره نمود که اتحادیه اروپا موقعیتی را که می توانسته در مورد نقش جهانی خود ایفا کند به علت نبود اتحاد عمل در مبارزه با نقض حقوق بشر متأسفانه از دست



داده. بهمین دلیل امروز جهان پس از ۵۹ سال که از تصویب حقوق بشر جهانی می گذرد، همچنان دچار دگرگونی شدید و معضلات بسیار می باشد. ضمناً در میان سخنرانی های این جشن برای تنوع و شادی حاضرین از طرف گروهی نوازنده و خواننده کشور مغولستان برنامه های هنری اصیل مغولی "Mongolische Instrumentalmusik u. Folklore" von "Khukh Mongol" به نمایش گذاشته شد که بسیار مورد توجه قرار گرفت.

خارج از برنامه، در گفتگویی خصوصی با پرفسور نوواک ایشان ابراز داشتند که دولت جمهوری اسلامی تنها دولتی بوده که تا به امروز در مورد بازدید از زندانها و رسیدگی به اتهامات مستند نقض حقوق بشر در ایران، هیچگونه نظر موافقی نشان نداده و همکاری نکرده. نظر پرفسور نوواک بر این بود که این نحوه طرز برخورد از طرف دولت جمهوری اسلامی تأکیدی است بر حقیقت داشتن این نوع اتهامات. ✍

بزرگداشت روز دانشجو

روز شانزدهم آذرماه سال ۱۳۳۲ دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به سفر ریچارد نیکسون معاون ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا به ایران، دست به اعتصاب زدند. در پی این اعتصاب مأموران نظامی وارد دانشگاه شده و به روی دانشجویان آتش گشودند. در این درگیری ها سه تن از دانشجویان دانشکده فنی به نام های مصطفی بزرگ نیا، مهدی شریف رضوی و احمد قندچی به شهادت رسیدند.

در سال ۱۳۳۹ که فعالیت های جبهه ملی دوم آغاز شد، با استقبال گسترده دانشجویان دانشگاه و دانشکده های بیرون از دانشگاه تهران روبرو گردید. در این سال در یک گردهم آبی دانشجویی روز شانزدهم آذر روز دانشجو نامیده شد.

روز اول بهمن ماه سال ۱۳۴۰ نیز یک بار دیگر دانشگاه تهران مورد یورش قوای نظامی قرار گرفت و بسیاری از دانشجویان مجروح و بازداشت شدند.

در ۱۸ تیرماه سال ۱۳۷۸ نیز به دنبال حمله مأموران نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی به خوابگاه دانشجویان در امیرآباد تهران، یک دانشجو کشته و شمار زیادی مجروح و بازداشت گردیدند.

دانشجویان، این پیشگامان نهضت آزادی خواهی ایران، همواره این روزهای تاریخی را گرامی داشته و در همه دانشگاههای ایران به این مناسبت گرد هم می آیند.

عوامل امنیتی جمهوری اسلامی نه تنها برای جلوگیری از اجتماع دانشجویان در روز ۱۸ تیرماه از پیش اقدام به ضرب و شتم و بازداشت فعالان جنبش دانشجویی می کنند، بلکه در روز شانزدهم آذر هم از گردهم آیی مسالمت آمیز دانشجویان جلوگیری می نمایند.

با وجود آنکه رویداد شانزدهم آذر ۱۳۳۲ در دوران نظام گذشته و در اعتراض به مسافرت معاون ریاست جمهوری آمریکا اتفاق افتاده است، سردمداران رژیم می که خود را وارث انقلابی می دانند که بر علیه نظام گذشته صورت گرفته و همواره شعار مرگ بر آمریکای جهانخوار را تکرار می کنند، مانع از اجتماع دانشجویان به مناسبت بزرگداشت این روز تاریخی شده و می شوند.

اکنون پرسشی که مطرح می شود این است که چرا سردمداران جمهوری اسلامی از تظاهرات و گردهم آیی دانشجویان حتی در روز شانزدهم آذر هم می هراسند؟

بی تردید، پاسخ درست این است که آنها از درجه نفرت و انزجار مردم به ویژه دانشجویان نسبت به نظام خود آگاهند و نگران هستند که این گردهم آیی ها جرقه ای شود که سراسر ایران را به آتش کشد و خرمن هستی استبداد مذهبی را از ریشه بسوزاند.

ما ضمن اعتراض به بازداشت و شکنجه دانشجویان آزادی خواه، این آینده سازان ایران، به سردمداران جمهوری اسلامی هشدار می دهیم که روز انتقام ملت ایران از بیادهایی که در این بیست و نه سال بر آنان روا داشته اند، دور نیست!

هیئت اجرایی جبهه ملی - خارج از کشور -

مرگهای ناشی از فقر و بی اعتنائی مسئولان

با نیم نگاهی به اوضاع جامعه امروز، معلوم می شود که تنها اعدام های بی رویه به عنوان مختلف نیست که افراد را از نعمت حیات محروم می کنند بلکه مؤسسات و فعالیت های دیگری هم وجود دارند که بنحوی دیگر با سلامت و زندگی آنها بدون احساس مسئولیت بازی می نمایند؛ ...

هفته پیش در صفحه حوادث روزنامه معروفی در نهایت خسست و بصورت تلگرافی این خبر جلب نظر می کرد: «دیروز در خیابان ... هشت نفر جوان کارگر، هنگام تخریب ساختمان کهنه ای زیر آوار مانده و کشته شدند». حادثه هایی که نظایر آن هر روز در گوشه و کنار تهران بزرگ و وسیع رخ می دهد. خبر تأثرانگیز بود و قابل تعقیب. اما از موجز بودن خبر، انگار صحبت از کشته شدن هشت تا مورچه ریز در میان است نه نام و نشان و حدود سن جوانان. نه ملیت و داشتن مجوز کار و حمایت عملی بیمه و نه وجود یا عدم سرپرستی و رعایت وسایل حفاظتی در محیط کار و ...

در جهان آشفته ای که هر لحظه تعداد قابل ملاحظه ای از انسانها در میدان های جنگ، جاده های ترانزیت، کمینگاههای تروریستهای بی رحم، بیمارها و کمبود دارو، اعتیاد و اعدام از بین رفته و فراموش می شوند کشته شدن هشت جوان به شرح مذکور نمی تواند توجهی را جلب و تأثیری را برانگیزد ولی اگر انسان حساسیت خود را بطور کامل در برابر مرگهایی که زائیده فقر ناشی از ظلم می باشند از دست نداده باشد موضوع مورد بحث و پی آمدهای آنرا بیشتر می شکافد و متأسفانه به نتایج غم انگیز تری هم می رسد. تفاوت مرگها و نوع تأثیر آنها در جامعه البته مسلم است، اما نمی دانیم مرگهای ناگهانی و بی صدا چرا اندوه سوزناکی را به دلها می ریزد و روح را اسیر رنج و یزده ای می کند. در داستان پایان ناپذیر فقر و ظلم که شاید به قطعیت نتوان گفت فقر موجب قبول ظلم می شود یا ظلم از عوامل زاینده فقر می باشد؟ بهر حال معصومیت و مظلومیتی ویژه هست که وجدانها را به درد می آورد. جوان سیزده - چهارده ساله ای که تحت فشار شرافت ذاتی و فریاد نیاز خود و خانواده از دامهای گوناگون اعتیاد، دزدی و شغل های کثیف گریخته و با سربلندی، کار و زحمت کشتی در کارگاههای ساختمانی را پذیرفته است چرا باید بر اثر سهل انگاری و بی اعتنائی قدرتمندان به مقررات، در چشم بهمزدنی نابود شود و چه بسا بی نام و نشان به زیر خاک رود. این بی اعتنائی جامعه به فقر واقعاً درد بزرگی است در حالیکه شیخ اجل سعدی می فرماید:

به چشم عجب و تکبر مکن به خلق نگاه

که مخلصین خدا ممکن اند در اوباش

آیا براستی منظره اشتغال نوجوانان سیزده - چهارده ساله به کار گیل برای ساخته شدن سریع برجها و قصرها و آنگاه فروریختن دیوار و بقیه قضایا ... منظره زشت و زنده ای از حکومت فقر و ظلم نیست و جامعه از اینکه می توانست با امکانات موجود برای این جوانان زندگی و سرنوشت بهتری رقم بزند و این کار را نکرده احساس گناه نمی کند؟!

فساد مالی و اداری در جهان

مطابق گزارش سازمان شفافیت بین المللی شاخص فساد در قطر (۲۳)، امارات عربی (۳۴)، بحرین (۴۶)، اردن (۵۳)، کویت (۶۰)، عربستان سعودی (۷۹)، لبنان (۹۹)، یمن (۱۳۱)، ایران (۱۳۱)، سوریه (۱۳۸)، عراق (۱۷۸)، دانمارک، فنلاند و سنگاپور شاخص عددی (۱) دارای کمترین میزان فساد هستند.

ایران امروز، ۱۳۸۶/۷/۷، به نقل از پیام جبهه ملی، ۱۵ مهرماه ۱۳۸۶ خورشیدی

گزارش دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا ... بقیه از ص ۱
 جلب رضایت آمریکا، در افغانستان به آن دولت یاری رسانند. از همین رو، از نفوذ دوستانه خود بر سران ائتلاف شمال و نیز اسماعیل خان حاکم هرات استفاده کرده و آنان را ناگزیر به همکاری و پذیرش خواست‌ها و شرایط آمریکا نمودند.

در مورد عراق، امروز مسئله با آن روز افغانستان بکلی فرق می‌کند. در عراق آمریکا دچار مشکلی شده است که روشن نیست کی به پایان می‌رسد.

همانگونه که اشاره شد، مشکل از آنجا ناشی شده که در پی برگزاری انتخابات با توجه به اینکه اکثریت مردم عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند، مجلس و سپس دولت در اختیار آنان قرار گرفت و ریاست جمهوری هم نصیب کرده‌ها گردید، و این در حالی بود که از روز تشکیل کشور عراق منهای مدت کوتاهی در دوران ریاست جمهوری عبدالکریم قاسم، سنی‌ها همواره اهرمهای قدرت را در اختیار داشته و با شیوه‌های دیکتاتوری، با سرکوب پیروان سایر مذاهب و اقلیت‌های قومی، بر عراق حکومت می‌راندند. اکنون که از حوزه قدرت بدور مانده‌اند، حاضر به پذیرش شرایط جدید نیستند.

شیعیان عراق دچار همان اشتباهی گردیده‌اند که سالها پیش از آنکه هندوستان به استقلال برسد حزب کنگره نماینده اکثریت هندوها مرتکب شد و باعث تقسیم هندوستان به دو کشور گردید.

در دورانی که هندوستان هنوز به استقلال نرسیده بود، در اثر اوج گرفتن مبارزات استقلال طلبانه مردم هند، انگلستان بناچار تصمیم گرفت برای واگذار کردن اختیارات امور داخلی ایالات و شهرداری‌ها به مردم، انتخاباتی برگزار نماید. در این انتخابات، حزب کنگره نماینده اکثریت هندو با اختلاف بسیار بر رقیب خود (حزب مسلم لیگ متعلق به اقلیت مسلمان) پیشی گرفت و بیشترین کرسی‌ها را بدست آورد. چون رهبران حزب کنگره حاضر به سهیم کردن مسلمانان در اداره امور و حوزه قدرت نشدند، سران حزب مسلم لیگ به ویژه محمد علی جناح و محمد اقبال لاهوتی به این نتیجه رسیدند که مسلمانان به دلیل در اقلیت

بودن همواره از حوزه قدرت سیاسی بدور خواهند ماند. بنابراین، باید برای آنها کشور جداگانه‌ای پدید آید. بدین ترتیب بود که پس از استقلال، کشور جدیدی بنام پاکستان از دل هندوستان زاده شد.

بسیاری از رهبران حزب کنگره مانند مولانا ابوالکلام آزاد و جواهر لعل نهروو اعتراف کردند که تقسیم هند به دو کشور گرچه در اثر پافشاری دولت انگلستان بود ولی اساس آنرا باید در حذف حزب مسلمان مسلم لیگ از صحنه قدرت توسط حزب کنگره دانست.

اکنون با دور ماندن اقلیت سنی از صحنه سیاست و قدرت در عراق، این تفکر میان آنها پدید آمده است که از این پس همواره زیر نفوذ و قدرت شیعیان باقی خواهند ماند. این تفکر باعث شده تا تندروهای سنی با برخورداری از جو عدم رضایت مردم از حضور نظامی بیگانه در عراق عملیات انتحاری و تروریستی خود را گسترش دهند.

چند کشور از وضع نابسامان پدیدآمده در عراق ناراضی نیستند و حتی به نوعی به ادامه و گسترش آن یاری می‌رسانند.

۱- جمهوری اسلامی که می‌خواهد از رفتاری آمریکا در عراق استفاده کرده و امتیاز بگیرد.

۲- سازمان القاعده که معتقد است آمریکائی‌ها به سرزمین‌های ما پناهاده‌اند، ما به عوض ضربه زدن به آنها در خاکشان، در عراق و افغانستان به آنها ضربه خواهیم زد.

۳- کشورهای عربی به ویژه عربستان سعودی که از تبدیل عراق به دومین کشور شیعه مذهب جهان ناراضی‌اند و نگرانی خود را بارها اعلام کرده‌اند.

۴- اسرائیل نیز با وجود آنکه از سقوط صدام حسین و فروپاشی ارتش عراق راضی است از بقدرت رسیدن شیعیان زیر نفوذ جمهوری اسلامی در عراق راضی نبوده و حفظ وضعیت موجود را باعث گسترش نفوذ و قدرت جمهوری اسلامی در سوریه، حزب الله لبنان و حماس در فلسطین می‌داند.

کلید حل دشواری‌های عراق (یعنی کاهش عملیات انتحاری و بمب‌گذاریها توسط تندروهای سنی مذهب)

بقیه در ص ۷

سرهنگ دکتر عقیلی پور

دکتر «مصدق» چگونه سیاستمداری بود؟

اظهار نظر دربارهٔ بزرگ مردی همانند آقای دکتر «مصدق» کار ساده‌ای نیست و مستلزم فرصتی طولانی است. دکتر «مصدق» عقاب بلندپروازی بود که پیشگامی و سربلندی مردم ایران را با پاره کردن زنجیرهای استعمار جهان خوار، آرزو می‌کرد.

متأسفانه امپریالیسم جهانی و استعمارگر قدیمی، انگلستان که منافعشان از غارت منابع ملی ما تأمین می‌شد دست به یکی کرده، پر و بال این عقاب بلندپرواز را سوزاندند و آمال ملی ایرانیان را تَر پَر کردند. همکاری که صادقانه تا به آخر با دکتر «مصدق» صمیمی و پایدار ماندند، قهرمانان افتخارآمیز این دوران خواهند بود و رؤیای قافیه باختگانی که می‌خواهند تاریخ تکرار شود و رژیم‌های مثل گذشته با همان آلودگی‌ها و دیکتاتوری برقرار کنند، خوشبختانه به کابوسی تلخ مبدل شده است.

با توجه به بیداری مردم، امکان تکرار کودتای ۲۸ مرداد با دل خونینی که ملت ایران از آن بعنوان خیانت به آرمان ملی دارند وجود ندارد. انسانها باید آگاه شوند و بدانند باورهای بوج و از روی تعصب خشک، همیشه فاجعه آفرین است.

مخالفان ناآگاه و جان نثاران گذشته، باید بدانند که «مصدق» با پادشاهی و سلطنت شاه مخالفتی نداشت فقط می‌خواست همان قانون اساسی که پادشاه سوگند به حفظ و اجرای آن خورده بود، اجرا شود.

پادشاه با وسوسه پیرامونیان و جاسوسان انگلیسی که مثل مور و ملخ در دربار حضور داشتند، زیر بار نرفتند.

هنگامی که آقای دکتر «مصدق» برای احقاق حقوق ایران به سازمان ملل رفته بودند از نیویورک تلگرافی به پادشاه می‌فرستند بدین مضمون:

«پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی - تهران

دست خط تلگرافی ذات مبارک، شرف وصول بخشید و بیش از آنکه تصور شود موجب سرافرازی و تشکر گردید. از خداوند، سلامتی و طول عمر و موفقیت روزافزون اعلیحضرت همایون شاهنشاهی را همواره آرزو کرده‌ام و عرض می‌کنم هر موفقیتی در هر جا و در هر مورد تحصیل شده، مرهون توجهات و عنایات ذات اقدس ملوکانه است که همه وقت، دولت را تقویت و رهبری فرموده‌اند. به طوری که به وسیله جناب آقای وزیر دربار، به عرض مبارک رسید، روز

دوشنبه را به فیلادلفیا و صبح سه شنبه به واشنگتن می‌رود و جریان را در همان جا به پیشگاه مبارک معروض خواهد داشت. اجازه می‌طلبید یک بار دیگر از عنایات و توجهات خاصه شاهنشاه جوانبخت خود، عرض سپاسگزاری نماید». ملاحظه می‌فرمایید که این نخست وزیر عالیقدر با چه احترامی گزارش و بزرگی و شخصیت والای خود را نشان می‌دهد. حالا مخالفان ناآگاه این بزرگمرد دکتر «مصدق» را به مخالف و دشمن پادشاه می‌دانند.

بعد از «مصدق»، پیر دیر سیاست تاریخ معاصر ایران، قوام السلطنه چندین صفحه نامه بسیار احترام آمیز، مدبرانه و با سیاست به پادشاه نوشت. سیاستمداری بی‌همتا که دو دوره در زمان قاجاریه و سه دوره در زمان پهلوی نخست وزیر بود. او در نامهٔ خود خواسته بود که پادشاه برابر قانون اساسی، برای حفظ خود و سلسله پهلوی، سلطنت کردن را برگزیده و از حکومت کردن دست بردارند و اجازه دهند دولت‌های مسئول کشور را اداره کنند چرا که با سلطنت مطلقه و فشار بر مردم، سلطنت پایدار نخواهد بود و روزهای تیره و تار در پیش است که علاوه بر سرنگونی رژیم، کشور به نابودی کشیده شده، نسل‌های آینده و تاریخ زمامداران امروزی را نخواهند بخشید.

در این نامه مطالب بسیار ارزنده‌ای هست که این سیاستمدار بی‌نظیر، تمام وضع امروز را با دوراندیشی و دقت پیش بینی کرده است.

متأسفانه وزیر دربار پاسخ می‌دهد که پادشاه غضبناک از فضولی‌ها شده و عنوان جناب اشرف را حذف کرده‌اند و ... مواردی دیگر.

البته در ۱۹۷۵ گروه اندیشمندان هم مشابه همان نامه را با زبانی دیگر و سال قبل از انقلاب هم ارتش چنین مواردی را به عرض رسانیده بودند که هیچ کدام مورد توجه قرار نگرفت.

دکتر «مصدق» را هم باز دربار به سرنوشت قائم مقام و امیرکبیر دچار کرد.

در اینجا مطلبی از خاطرات خود بیان می‌کنم:

ژنرال «ولترز» که وابسته نظامی آمریکا در پاریس بود و بعدها رئیس سازمان سیا و سپس معاون وزارت خارجه آمریکا شد، چون به چندین زبان زنده دنیا خوب حرف می‌زد من با ایشان دوست و نزدیک بودم. هر وقت به پاریس می‌آمد یکدیگر را می‌دیدیم.

یک روز خانم «جین جیرا» که سفیر آمریکا در یونسکو و از دوستان قدیمی و بسیار ارزشمند من بود از من دعوت بقیه در ص ۶

داشتند که اسلحه در اختیار حزب توده بگذارند تا از دولت در برابر مخالفین، دفاع کنند، آن بزرگ مرد دوراندیش، به کلی مخالفت کرد.

در آخرین جلسه دادگاه فرمایشی که نه تنها بر علیه آقای دکتر «مصدق» رأی داد، بلکه رأی به محکومیت آملی ملت داد، آقای دکتر «مصدق» بیان داشتند، سرنوشت من مایه عبرت مردانی می شود که ممکن است در آینده، در سراسر خاورمیانه، به فکر پاره کردن زنجیر استعمار امپریالیسم جهانی بیفتند.

دیدیم با چه دوراندیشی، آن بزرگمرد، حقایق را می دید. در سال ۱۳۵۷، قرارداد ۲۵ ساله ننگین و تحمیلی کنسرسیوم بین المللی نفت تمام می شد و باید تجدید می گردید ولی پادشاه که خود خسته از چپاول نفت ما شده بودند، بارها و بارها در سخنرانی های گوناگون، چه در ایران و چه در خارج، گفته بودند که نفت، مال ملت ایران است و باید در اختیار ما باشد که بتوانیم منافع ملی خود را حفظ کنیم. این ایده بزرگ ملی راهی باقی نمی گذاشت که امپریالیسم ها بتوانند نفت ما را پیوسته بچاپند. لذا تصمیم نابودی شاه و ایران را گرفتند و همان کسی که پیوسته به ایران می آمد و جزو دوستان پادشاه بود و به او اعتماد زیادی داشتند و عضو تری لاترال بود، «کسینجر» معروف، در کمیسیون امنیت ملی آمریکا گفت: «یا شاه باید سیاستش را عوض کند، یا شاه را باید عوض کرد». دیدیم چه کردند و چه بلایی بر سر پادشاه و ملت ایران آوردند.

در کنسرسیوم تحمیلی، نفت ما را بین خودشان تقسیم کردند، علاوه بر آن، غرامت هم برای انگلستان گرفتند و از همه بدتر، شرکت نفت ایران و انگلیس، میلیون ها دلار از پول نفت ایران را در چندین کشور، برای اکتشاف و بهره برداری نفت و پالایشگاه، سرمایه گذاری کرده بود که هر سال، از منافع حاصله، باید سهم ایران هم داده می شد که به کلی، سهم ایران را از بین بردند و تمام سرمایه گذاری ها را هم بالا کشیدند.

من خودم روزی در پاریس به آقای دکتر «امینی» گفتم، فکر نمی کنید امروز که من و شما در این جای دنیا، دور از وطن هستیم، ماحصل آن روز و همان قرارداد کنسرسیوم است؟ ایشان گفت: «آقا، آن روز، شما در مصدر کارها نبودید.»

این نظرانی که به طور خلاصه، عرض کردم، برای این است که به آن بزرگمرد خدمتگزار واقعی ملت، ارج داده شود. ملاحظه می کنید که هر روز، بیش از گذشته، برای برآوردن آرمان های ملی مردم، ملت به عظمت کار آقای دکتر «مصدق» پی می برند و راه او را، راه رهائی ایران و استقلال ایران می دانند.

مطمئن باشید که ندای آقای دکتر «مصدق» خاموش شدنی نیست. دیر یا زود ملت ایران تصمیم آن مرد بزرگ را که پاره کردن زنجیر استعمار بود، عملی کرده و ایران بار دیگر، در تاریخ سرافراز خواهد شد. همه ما برای چنین روزی تلاش می کنیم و در آرزوی آن هستیم. ✍

دکتر مصدق چگونه سیاستمداری بود؟

بقیه از ص ۵

کرد ناهار را با ایشان و ژنرال «ولترز» با هم در منزل ایشان باشیم. از همه جا و همه چیز صحبت کردیم به خصوص ایران.

ژنرال «ولترز» دو بار برای دیدار دکتر مصدق به تهران آمده بود و یک بار هم در مسافرت به نیویورک با ایشان گفت و گو نموده بود. به من گفت که سران بزرگ جهان را بارها دیده و در ملاقات هایی که با دکتر مصدق داشته بیش از همه سران تحت تأثیر قرار گرفته است. او در سفر دکتر مصدق به نیویورک با دکتر مصدق ملاقات می کند و می پرسد: عالی جناب، همه جهان متوجه مسافرت شما هستند، بخصوص ملت ایران، فکر نمی کنید تغییر وضعی بدهید که دست خالی به ایران باز نگردید؟

ژنرال «ولترز» می گفت تمام مدت دکتر مصدق با دقت به صحبت های من گوش می داد. در انتظار داشتم که پاسخی هایی را داشته باشم که به ریاست جمهوری گزارش کنم. آقای دکتر مصدق دستی روی شانه من گذاشت و فقط در یک جمله به من پاسخی داد که من نتوانستم هیچ حرف دیگری بزنم. او در حالی که با چشمان نافذ خود به من نگاه می کرد، گفت:

«آقای ژنرال، مگر من با دست پُر به کشور شما آمده بودم؟» و خداحافظی کرد. ژنرال به من می گفت، مدتی مانده بودم که چه بکنم؟ گزارش کردم که ایشان از قله تصمیم و اراده خود، پایین نمی آید.

آیا سزاوار است عالیقدر بزرگی مثل آقای دکتر «مصدق» را مخالفین، با ناسپاسی و ندانم کاری، قضاوت کنند؟ ایراداتی که کاملاً از روی بی اطلاعی است.

در رسانه ای دیدم که ایشان را محکوم کرده بود که چرا پیشنهاد ۵۰٪ آمریکا را نپذیرفت؟ به ایشان باید پاسخ داد، اگر ۹۰ درصد هم می دادند، آقای دکتر «مصدق» نباید قبول می کرد، زیرا مجلس، قانون ملی شدن را تصویب کرده بود که همه نفت مال ملت ایران است و آن بزرگمرد، خود را مجری قانون که آرمان ملت بود، می دانست و غیر از آن، به هیچ وجه نباید تن در می داد، در غیر این صورت، خیانت بود.

خوب، چنین مرد بزرگی را باید براندازند که مطیع دستورات امپریالیست ها نمی شود. لذا در ۲۵ ژوئن ۱۹۵۳، طرح براندازی، تهیه و توسط آمریکا و انگلیس تصویب شد و «چرجیل» دستور اجرای عملیات «چکمه» را صادر کرد.

پادشاه در خاطرات خود نوشته اند، وقتی از هم آهنگی آمریکا و انگلیس مطلع شدم و اطمینان حاصل کردم، با «کیم روزولت» ملاقات نمودم. روز یکم مردادماه «کیم روزولت» به طور ناشناس به ایران می آید و با پادشاه در یک اتومبیل، ملاقات می نماید و آن برنامه کذابی را با همیاری و همکاری عوامل داخلی خود انجام دادند.

در آخرین لحظه ک آقای دکتر «مصدق» فهمید که کار تمام شده، گفته بود: «حالا که حکومت ملی مرا برانداختند، آرزو دارم طرفداران شاه، قدرت را در دست گیرند که کشور به دست کمونیست ها نیفتد». موقعی که بعضی وزراء اصرار

خبرها

۱۱۵ هزار دانش آموز دبستانی

تحصیل را ترک کردند

به گفته معاون وزارت آموزش و پرورش، شمار ۱۱۵ دانش آموز دبستانی پس از ثبت نام، تحصیل را ترک کرده اند.

چنانچه کل دانش آموزان ایران را حدود ۶ میلیون - طبق آمارهای جمهوری اسلامی - بدانیم، ترک تحصیل کردن این شمار دانش آموز یک فاجعه بزرگ فرهنگی ملی است.

چنانچه گفته های مسئولان وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی را بپذیریم، در سال گذشته تنها در تهران ۲۸۳ دانش آموز اقدام به خودکشی کرده و به عمر خود پایان داده اند. شمار دانش آموزانی که در سال گذشته در ایران دست به خودکشی زده اند، بی تردید چند برابر رقم بالاست.

این فاجعه دردناک، بازده کار دولتی است که مدعی بود پول نفت را بر سر سفره مردم خواهد آورد. پس از دو سال و نیم حکومت کردن نه تنها بر سفره مردم فقرزده ایران چیزی افزوده نشد، بلکه آن مقدار ناچیز را هم که داشتند به گذشت زمان از دست داده و می دهند.

در حقیقت این پول به عوض آمدن بر سر سفره مردم، بر سفره حاکمان جمهوری اسلامی نشست و نصیب غارتگران و چپاولگران اموال ملی شد.

فقر و تورم، بیکاری و ناداری، ناهنجاریهای اجتماعی سبب پریشان حالی و اضطراب میان خانواده ها گردیده تا در جایی که نهال های باغ ایران را می بایستی با دانش اندوزی و تلاش و کوشش کردن آینده ایران را بسازند تا بتوانند با کاروان پرشتاب تمدن و پیشرفت جهانی همراه و همگام گردد، به سوی نیستی و نابودی سوق می دهد.

تنها راه پایان دادن به فاجعه فرهنگی و ملی، پایان بخشیدن به عمر نظام استبداد مذهبی حاکم بر کشور

است. ☐

گزارش دستگاههای اطلاعاتی آمریکا ...

بقیه از ص ۴

را باید در سهیم کرن آنها در قدرت جستجو کرد. اصلی که عربستان سعودی و کشورهای عربی خواهان آنند، آنها در صورتی امکان پذیر است که شیعیان بپذیرند بخشی از قدرت به سنی ها واگذار گردد. انجام این مهم در شرایط کنونی تنها در دست سردمداران جمهوری اسلامی است که از نفوذ خود برای کاهش بحران استفاده کنند تا آمریکا امکان بیرون بردن سپاهیان خود را از عراق بدست آورد.

تردید نیست که جمهوری اسلامی بدون گرفتن امتیاز حاضر به همکاری با آمریکا در این زمینه نخواهد بود. مهم ترین امتیازی که سران جمهوری اسلامی امیدوارند بدست آورند، تضمین بقای نظام آنهاست. از آنجا که تضاد سیاست آمریکا با جمهوری اسلامی در حقیقت نه بر سر عدم اجرای اصول منشور جهانی حقوق بشر در ایران بلکه دستیابی به جنگ افزار هسته ای است. سران اسلامی در صورت اطمینان یافتن در مورد بقای نظام خود به آسانی حاضر به کوتاه آمدن و حتی پایان بخشیدن به فعالیت های هسته ای خود خواهند شد.

انتشار گزارش دستگاههای اطلاعاتی آمریکا را شاید بتوان در راستای راه کار این توافق دانست. ظاهراً توافق هائی پنهانی میان آمریکا و جمهوری اسلامی صورت گرفته است. تأکید گزارش بر اینکه جمهوری اسلامی از سال ۲۰۰۳ به فعالیت های خود در مسیر دست یابی به جنگ افزار هسته ای پایان بخشیده و چنانچه تصمیم به از سرگیری درباره آن داشته باشد، تا سالهای ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ قادر به دست یابی آن نخواهد شد، حاکی از این توافق پنهانی می تواند باشد.

توافق بر سر اینکه آمریکا از عدم اجرای حقوق بشر در ایران چشم پوشی و برای سرنگونی جمهوری اسلامی اقدامی نکند و متقابلاً جمهوری اسلامی از فعالیت های هسته ای خود دست بکشد.

در پی این توافق ها، رهبر جمهوری اسلامی جام زهر را بدون آنکه همچون سلف خود آیت الله خمینی اقرار به نوشیدن کند، سر خواهد کشید.



پیامی به دریای مازندران

آخرین سروده استاد ادیب برومند (شاعر ملی)

پس از چند پیمان ستوار و سخت
 ز روسیه شد بارور این درخت
 که نیمی ز دریا از ایران بود
 بر این حق بسی سخت پیمان بود
 شد آنگاه میثاق های پسین
 فزون تر ز ستواری از پیش از این
 کنون با فروپاشی شوروی
 شد ایران درین ماجرا منزوی
 سه کشور برون آمد از بطن روس
 به هم داده دست فریب و فسوس
 به همراهی روس پیمان شکن
 فراهشته پا از گلیم کهن
 نمودند دست تجاوز دراز
 به میراث ایران ز نیرنگ و آز
 ولی غافل از این که ایرانیان
 کنون خلق ایران به خشم اندرند
 ز حق نگذرنند ار بیاشد جهان
 پذیرا نگردند خرد و کلان
 که از چالشی سخت برنگذرنند
 پذیرا نگردند خرد و کلان
 کرا زهره باشد تجاوز گری
 به میراث ایرانیان سرسری
 بجوشیم و کوشیم تا پای جان
 ستانیم حق خود از حق بران
 پذیرا نییم آنچه جان جای را
 که یاد آورد ترکمانچای را
 به رسوایی هر دغلباز پست
 کنیم آنچه ما را برآید زدست
 به رفق و مدارا، جنگ و ستیز
 برانیم دشمن به پای گریز
 هر آنکو در این ملک فرمانرواست
 جز این گر کند در خور صد جفاست
 ✽ ✽

شدم راهی شهر مازندران
 رهش پیچ در پیچ و نا مستقیم
 که بس خرمیهاست در وی نهان
 در آن پیچ و خمهاش هر سو عیان
 ولی خاطر آرا ز خرم نسیم
 بسی چشمک انداز سبزینه سان
 بسی کوه ها سر برافراشته
 بسان دژ آگاه کین توخته
 به گوش فلک رازها کاشته
 به هم خشمگین دیده بر دوخته!
 گراینده زی خشم جنگاوران
 نهیب افکن اندر دل اژدران!
 به چشمان کاونده راز جوی
 نماید ز دیرین زمان های و هوی
 دل آگاه داند که کهسار پیر
 چها دیده در روزگاران دیر!

پس آنگه بر و بوم مازندران
 همه هر چه دیدم در آن سرزمین
 پدیدار شد چون دلارا جنان
 همه خرمی از پس خرمی
 فرح بود و شور و نشاطش رهین
 ز بام فلک سبزه تا روی خاک
 ز هر سو فراوان گل موسمی
 پس انبوه جنگل فراگرد کوه
 تنیده درختان به هم شورناک
 درختان ز باران همه شسته روی
 کز انبوهی اش کوه شد در ستوه
 دل افروز خاطر، صفا بخش خوی
 سرازیر دیدم بسی آبشار
 چو یک رشته دُر از بر کوهسار
 به هر شاله زاری که خوش کرد حال
 شده پهن یک سبزهگون طاقه شال
 شدم رهسپر تا به دریا کنار
 نشستم به ساحل بسی دلفکار
 فرستادم آنگه به دریا درود
 رساندم سلامش ز زاینده رود
 بدو گفتم اینک من از روی درد
 سخن دارم ای پروراننده مرد
 کنون آمدم با دلی غم سرای
 به نزد تو ای بحر غرش گرای
 بگفتم بدو با دلی پر زخشم
 روان بر رخم اشک جاری ز چشم
 که ای ملک موروث ایران زمین
 ز هنگام «کوروش» یل پاک بین
 به هنگام دارای کیوان سریر
 تو بودی از ایران ز بالا و زیر
 تو را بود کشتی از ایران فزون
 ز بازارگانی و جنگی فنون
 پس از قرن ها فرمان آرای روس
 به تو دست یازید با بوق و کوس
 به نیمی ز تو گشت فرمانروا
 پس ایران به نیم دیگر کدخدا

سال ۲۰۰۸ میلادی فرا می رسد. آغاز این سال را به
 هموطنان مسیحی صمیمانه شادباش گفته، تندرستی و
 موفقیت آنان را آرزو می کنیم.
 نشریه

خوانندگان گرامی می توانند مطالب خود را جهت چاپ در
 نشریه جبهه ملی خارج کشور، به نشانی زیر بفرستند.
 راه تماس با سازمان جوانان جبهه ملی خارج از کشور:
 www.javanane-melli.de
 info@javanane-melli.de

نشریه
 جبهه ملی ایران
 خارج کشور
 با مسئولیت هوشنگ کردستانی زیر نظر
 هیأت تحریریه
 هوشنگ کردستانی، مهندس مسعود هارون - مهدوی و
 دکتر امیر هوشمند ممتاز هر ماه یک بار در خارج از
 کشور انتشار می یابد
 نوشتارهای با نام نویسنده در نشریه جبهه ملی ایران
 خارج کشور، الزاماً نظر جبهه ملی ایران نیست.